

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

۸ جنوری ۲۰۰۹

شاعر خوش بیان و درد آشنای افغان، جناب «مسعود حنیف "زراب"»، رساله نفیس شعری خود زیر عنوان "صبح فردا" * را به یکی از فعالان پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" اهداء فرمود، تا پارچه هائی از آن زیب صفحات پورتال گردد. بدین وسیله از لطف ایشان تشکر نموده و در نظر داریم که اشعاری از این مجموعه را در معرض استفاده خوانندگان پورتال قرار داده و آرزو ببریم که از این نشاند قشنگ لذت برده و احساسات پاک شاعر را درک نمایند.

اداره پورتال AA-AA

پارچه اول

قرن بیست و یک

می تپم در عشق میهــــــــــــن ببقارای را ببین
می چکد خون از دو چشمم اشکباری را ببین
در حریم سینه ام آب و هــــــــــــوای میهن است
جان دهم من در هوایش جان نثاری را ببین
یک نفس هم تاب هجران وطن در من نبود
می کشم درد فراقش ، برده باری را ببین
چون غلامی می فروشد هر یکی میهن ترا
قرن بیست و یک شد اما برده داری را ببین
غیرت افغــــــــــــــــانی ما یکسره برباد رفت
دست طمــــــــع ما دراز و عذر و زاری را ببین
انتخاب رهــــــــــــر ما دست غیر افتاده است
با تغییر هر سیاست برکــــــــــــــــناری را ببین
ای "زراب" از عدل می آری سخن در هر کجا
چشم عبرت را گشا و نظــــــــــــم جاری را ببین

* "صبح فردا" سروده مسعود حنیف "زراب"، طبع دوم، زمستان ۱۳۸۷ هجری شمسی، هالند